



۶۸هزار تن نهاده دامی احتکار شده کشف شد

پلیس امنیت اقتصادی فراچا در عملیاتی گسترده موفق به شناسایی و توقیف ۶۸هزار تن نهاده دامی احتکار شده شد؛ محموله‌ای که ارزش آن نزدیک به یک‌همت بر آورد شده‌است.

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراچابه «جوان» گفت: نوسانات اخیر در بازار نهاده‌های دامی تا حد زیادی ناشی از اقدام سوداگرانی بود که بااحتکار گسترده این کالاهای اساسی، موجب افزایش قیمت و التهاب در بازار شدند، به همین دلیل کار گروهی تخصصی در پلیس تشکیل و رصد وضعیت این نهاده‌ها در دستور کار قرار گرفت. به گفته او، از ابتدای آبان‌ماه تاکنون و با اجرای طرح سراسری مقابله با احتکار، بیش از ۶۸هزار تن نهاده دامی در نقاط مختلف کشور کشف و ضبط و در این رابطه ۱۵هفتمه دستگیر و ۳۰پرونده قضایی تشکیل شده‌است. سردار رحیمی افزود:مقابله با قاچاق و احتکار کالاهای اساسی از اولویت‌های اصلی پلیس امنیت اقتصادی است و کشفیات اخیر نیز با بهره‌گیری از گزارش‌های مردمی و ظرفیت‌های اطلاعاتی پلیس انجام شده‌است. این مقام انتظامی با دعوت از شهروندان برای مشارکت در مقابله با جرائم اقتصادی اعلام کرد: ستاد خبری پلیس امنیت اقتصادی با شماره ۰۹۳۰۰۰۶۳۰، به‌صورت شبانه‌روزی آماده دریافت اطلاعات و گزارش‌های مردمی در این زمینه‌است.

بازداشت قاتل فراری پس از ۳۸سال

قاتلی که ۳۸سال پیش در شهرستان زیرخان استان خراسان رضوی دست به جنایت زده و از همان ساعات نخست متواری شده بود، سرانجام در یکی از شهرهای شمال کشور دستگیر شد.

حسین فرهنگنیا، دادستان زیرخان گفت: ماچرا به سال ۱۳۶۶ باز می‌گردد؛ زمانی که گزارش وقوع یک قتل عمدی به مرجع انتظامی اعلام شد، اما متهم بلافاصله پس از ارتکاب قتل گریخت و تلاش پلیس برای دستگیری او در آن زمان بی‌نتیجه ماند. به گفته دادستان، پرونده به‌صورت غیابی بررسی شد و متهم در سال ۱۳۸۷ با رأی دادگاه به جرم قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد، اما همچنان متواری بود و هیچ یک از جست‌وجوها برای یافتن او نتیجه‌داد.

فرهنگنیا افزود: سرانجام با رصدهای دقیق پلیسی و پیگیری بی‌وقفه دستگاه قضایی، متهم پس از ۳۸سال فرار، در آبان امسال در یکی از شهرهای شمالی شناسایی و بازداشت شد. او برای اجرای حکم به دادگاه صادرکننده رأی غیابی تحویل داده شده‌است.

مرگ خاموش مرد ۴۵ساله

در بلوار توس مشهد

سرکلانتر شمال مشهداز جان‌باختن مردی ۴۵ساله به دلیل استنشاق گاز متوکسیدکربن در یکی از واحدهای مسکونی بلوار توس خبر داد.

سرهنگ حسین قدیمی گفت: پس از تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی۱۱۰ مبنی بر حادثه گازگرفتگی، مأموران انتظامی به همراه نیروهای امدادی فوراً به محل اعزام شدند. در بررسی اولیه مشخص شد مرد میانسال بر اثر نشت گاز متوکسیدکربن از اجاق گاز دچار مسمومیت شده و پیش از رسیدن امدادگران جان خود را از دست داده‌است. به گفته سرکلانتر شمال مشهد، جسد برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شده‌است. سرهنگ قدیمی با هشدار نسبت به خطرات «قاتل خاموش» از شهروندان خواست با شروع فصل سرما و استفاده بیشتر از وسایل گرمایشی، نکات ایمنی را جدی بگیرند تا از بروز حوادث مشابه جلوگیری شود.

غلام‌ضامسکنی

ماجرای ربودن دختری سه‌ساله در یکی از شهرهای اطراف استان تهران، زمانی رنگ و بوی عجیب‌تری گرفت که پلیس در یافت طرح اصلی این نقشه، زنی است که سال‌ها پیش رخم خود را اِبرای تولد همان کودک اجاره داده بود؛ زنی که مدعی بود دختر خردسسال را «فرزند قلبی» خود می‌داند و برای بردنش حتی آدم‌ربا اجیر کرده‌است. چندی قبل مأموران پلیس یکی از شهرهای اطراف استان تهران با تماس تلفنی یکی از شهروندان از وقوع ماجرای کودک‌ربایی در یکی از خیابان‌هایباخبر وبلافاصله‌راهی محل شدند. مأموران دریافتند زنی جوان همراه دختر سه‌ساله‌اش در خیابان در حال حرکت بوده که خودروی پژویی با دو سرنشین کنارشان توقف می‌کند. یکی از سرنشینان با تهدید چاقو، دختر خردسال را سوار خودرو می‌کند و راننده نیز با سرعت از محل دور می‌شود.

روایت مادر در لحظه ربودن

زن جوان به‌مأموران گفت: «همراه دخترم آرزو از خانه بیرون آمده بودیم تا برای خرید به مغازه برویم. خیابان خلوت بود که ناگهان خودروی پژویی کنارمان توقف کرد. در کمتر از یک ثانیه یکی از سرنشینان پیاده‌شد وبا تهدید چاقو دخترم را از من گرفت. با فریاد از رهگذران کمک خواستم اما آدم‌ربایان به سرعت فرار کردند و کسی نتوانست جلوی آنها را بگیرد.»

آغاز تحقیقات

با ثبت این شکایات و با توجه به حساسیت موضوع، پرونده کودک‌ربایی به تیمی از کارآگاهان زنده پلیس آگاهی سپرده شد. مأموران در نخستین مرحله دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه را بررسی کردند اما هیچ‌دی از متهمان به دست نیامد، چهره دو مرد پوشیده بود و پلاک خودرو نیز مخدوش شده بود.

گفت‌وگو با متهم

می‌خواستیم مهاجرت کنم

مهمین زن ۲۶ساله‌ای است که با اجیر کردن دو مرد تصمیم می‌گیرد دختری را که ۹ماه در رخمش پرورش داده براباید و به کشور دیگری مهاجرت کند.

مهمین، سابقه داری؟

نه، من هیچ سابقه‌ای ندارم، اما مدتی معتاد بودم و الان هم چند سالی است ترک کرده‌ام و وضع مالی‌ام خوب است.
چی شد که تصمیم گرفتی دختر سه ساله را ربایی؟

من آرزو را با تمام وجود پرورش دادم. او مثل دخترم است و خیلی دوستش دارم. ۹ماه او در شکم من بزرگ شد و به دنیا آمد و من احساس می‌کنم فرزند خودم است.

رد آدم‌ربا از طریق یک نشانه

در ادامه، مأموران متوجه دوربین دیگری شدند که از زوایای دور تر، حادثه را ثبت کرده بود. بررسی این دوربین نشانه‌ای مهم از یکی از متهمان را آشکار کرد؛ هنگام درگیری و ربودن کودک، یقه پیراهن مرد نقابدار کشیده شده و دوربین خالکوبی روی گردن او ثبت کرده بود. با بررسی دقیق مشخص شد خالکوبی سمت راست گردن، طرح ضربان قلب است؛ طرحی که دقیقاً مشابه آن روی گردن یکی از مجرمان سابقه‌دار دیده شده بود. از سوی دیگر شاک می‌آه اعلام کرد وقتی با متهم درگیر بوده خالکوبی ضربان قلب را روی گردنش دیده‌است.

مجرم سابقه‌دار

کارآگاهان با مراجعه به آلبوم مجرمان، فرد مظنون را به نام «میلاد» شناسایی کردند؛ فردی با سوابق متعدد در زمینه مواد مخدر، درگیری و سرقت. مشخص شد او چند ماه قبل به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده‌است. به این ترتیب میلاد از زندان به اداره پلیس منتقل شد.

میلاد ابتدا منکر جرم شد، اما با مشاهده مدارک و شواهد، به کودک‌ربایی با همدستی یکی از دوستانش اعتراف کرد و گفت از سوی زن جوانی به نام «مهمین» اجیر شده‌است.

به دستور یک زن

او گفت: «من خلاص‌کارم و چندنی قبل با مهمین در مهمانی آشنا شدم. مدتی قبل دستمزد خوبی می‌دهد. ادعا می‌کند که آرزو دختر یکی از بستگانش است که متولد گرفته‌است اما شوهر قبلی‌اش اجازه نمی‌دهد او را ببیند. از من خواست آرزو را برابیم و تحویلش بدهم. روز حادثه همراه دوستم، دختر را از زنی که فکر می‌کردمی نامادری‌اش است، بردیم و چند خیابان آن طرف‌تر به مهمین

ماجرای رحم اجاره‌ای

که به کودک ربایی ختم شد

تحویل دادیم. من جایی که مهمین زندگی می‌کند را نمی‌دانم اما مطمئنم او پدر و مادر واقعی آرزو را می‌شناسد. پس از حادثه هم من به شهرمان رفتم و در آنجا با باندی سرقت می‌کردم که دستگیر شدم.»

فاش شدن راز ۳ساله

با اطلاعاتی که میلاد ارائه داد، پدر و مادر آرزو رازی سه‌ساله را که پنهان کرده بودند، آشکار کردند؛ مشخص شد مهمین زنی است که رحم خود را برای ۹ماه به آنها اجاره داده بوده‌است. مادر آرزو وقتی نام مهمین را شنید، گفت: «پس از ازدواج فهمیدم باردار اینک در مرکز ناباروری با مهمین آشنا شدم. او حاضر بود رخمش را در ازای دریافت مبلغی اجاره بدهد. ما هم تصمیم گرفتیم از این روش بچهار شویم و در برابر خانواده سر بلند باشیم.»

او ادامه داد: «رحم مهمین را اجاره کردیم و قرار شد موضوع پنهان بماند. من وانمود کردم باردارم و همه مخارج ۹ماه را پرداخت کردیم. پس از تولد آرزو، به خانواده شوهرم گفتم که دخترمان به دنیا آمده و سپس به شهر خودمان برگشتیم. پس از آن دیگر از مهمین خبری نداشتیم تا اینکه اکنون مرد آدم‌ربا ادعا کرده به دستور او این کار انجام شده‌است.»

بازداشت

با اطلاعات ارائه‌شده، مأموران با دریافت نیابت قضایی به تهران رفتند. تحقیقات با هماهنگی بازپرس جنایی ادامه یافت و محل زندگی مهمین شناسایی اما مشخص شد او مدتی قبل محل اقامتش را تغییر داده



است. جست‌وجو برای یافتن او ادامه پیدا کرد و در نهایت کارآگاهان مخفیگاه مهمین را یافتند. با دستور قضایی، مهمین بازداشت و آرزو به غوش خانواده‌اش بازگردانده شد.

مهمین پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اعتراف کرد و راهی زندان شد.

چطور با میلاد آشنا شدی؟

من و میلاد هر دو معتاد بودیم. شیشه و گل مصرف می‌کردیم. زمانی که معتاد بودم با او در مهمانی آشنا شدم. می‌دانستم او خلاق‌کار است و برای پول دست به هر کاری می‌زند. سراغش رفتم و گفتم دختر دختری از بستگان نزدیک من است و شوهر قبلی‌اش اجازه نمی‌دهد او را ببیند و اگر آرزو را برابایی و به من تحویل بدهی، پول خوبی می‌دهم. میلاد هم قبول کرد و دستمزدش را هم گرفت.

چند وقت آرزو پیش تو بود؟

یک ماهی آرزو پیش من بود که بازداشت شدم. دوست داشتیم برای آرزو مادری کنیم.

الان چه حسی داری؟

از کاری که کردم پشیمانم و امیدوارم پدر و مادر آرزو مرا ببخشند.

هشدار نظام وظیفه

درباره کارت‌های جعلی پایان خدمت

رئیس سازمان وظیفه عمومی فراچا به هشدار درباره رشد تبلیغات فروش کارت‌های پایان خدمت و معافیت سربازی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: مشمولان و خانواده‌های‌شان فریب این تبلیغات را نخورند، زیرا تمام این کارت‌ها جعلی هستند و هیچ ارزش قانونی ندارند.

سردار رحمان علیدوست با تأکید بر اینکه سازمان وظیفه عمومی هرگز صدور کارت از طریق واسطه‌ها یا صفحات مجازی را تأیید نمی‌کند، گفت: کارت‌های جعلی نه در ادارات پذیرفته می‌شوند و نه در هیچ مرجع رسمی اعتباری دارند و این سازمان نیز مسئولیتی در قبال افرادی که در دام کلاهبرداران می‌افتند، ندارد.

او با اشاره به تلاش‌های مهندسی جاعلان برای جعل اسناد رسمی توضیح داد: با هوشمندسازی کارت‌های پایان خدمت و معافیت و ایجاد سامانه استعلام سیستمی میان سازمان وظیفه عمومی، اداره گذرنامه و دستگاه‌های دولتی و خصوصی، مسیر سوءاستفاده سودجویان تقریباً مسدود شده‌است. سردار علیدوست به افرادی که با پرداخت مبالغ زیاد به امید دریافت کارت جعلی فریب خورده‌اند، توصیه کرد برای پیگیری و طرح شکایات به مراجع قضایی مراجعه کنند تا از ادامه فعالیت این شبکه‌های مجرم جلوگیری شود.

به گفته این مقام انتظامی، تنها مرجع معتبر قوانین و اطلاع‌رسانی خدمت سربازی، پایگاه رسمی سازمان وظیفه عمومی و کانال‌های رسمی آن در پیام‌رسان‌های داخلی است و مشمولان باید از اعتماد به هر منبع دیگری پرهیز کنند.

تیراندازی به پلیس در گیری طایفه‌ای

در جریان یک درگیری با طایفه‌ای مقابل دادگستری آبدانان، یکی از مأموران انتظامی هدف تیراندازی قرار گرفت و مجروح شد. ضارب اصلی به همراه دو همدستش بلافاصله دستگیر شدند. سرهنگ جواد احمدی، فرمانده انتظامی آبدانان گفت: صبح روز گذشته دو طایفه به دلیل اختلاف ملکی مقابل دادگستری شهرستان درگیر شده بودند و مأموران برای حفظ نظم و جلوگیری از تشدیدگیری به محل اعزام شدند. وی افزود: در جریان این درگیری، یکی از افراد مسلح از طایفه درگیر به سوی اعضای طایفه مقابل شلیک کرد که گلوله یکی از مأموران حاضر در صحنه را زخمی کرد. به گفته فرمانده انتظامی، سرهنگ پلیس پیش از آنکه ضارب دوباره سلاح خود را مسلح کند، او و دو همدستش را بازداشت و سلاح استفاده‌شده را نیز ضبط کردند. رضایت‌بخش گزارش شده‌است.

سرهنگ اعلام کرد متهمان پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.

قتل پزشک بر سر اختلاف ملکی

یک پزشک متخصص قلب و عروق شامگاه جمعه در یکی از روستاهای اسلام آبادغرب کرمانشاه بر اثر شلیک گلوله و به دنبال اختلاف ملکی کشته شد.

سرهنگ حیدر چرخ‌جوان، فرمانده انتظامی اسلام‌آبادغرب گفت: شامگاه جمعه پس از گزارش تیراندازی، تیم‌های پلیس در محل حاضر شدند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد پزشک جان‌باخته از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفته‌است. به گفته او، تحقیقات نشان می‌دهد این پزشک با برادرزاده‌های خود دچار اختلاف ملکی بوده و همین مسئله زمینه‌ساز درگیری مرگبار شده‌است. فرمانده انتظامی شهرستان افزود: دو نفر در این ماجرا مظنون شناخته شده‌اند که یکی از آنها با عملیات پلیس دستگیر شده و تلاش برای بازداشت مظنون دوم همچنان ادامه دارد.

کشف محموله ترپاک از کارتن‌های انجیر

فرمانده انتظامی استان قم از کشف ۳۴۳کیلوگرم ترپاک که در کارتن‌های انجیر خشک جاسازی شده بود، خبر داد.

به گزارش «جوان» سردار محمدرضا میرحیدری گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود از انتقال محموله مواد مخدر با یک خودروی نیسان از جنوب کشور به مقصد تهران باخبر شدند و فوراً بررسی موضوع را آغاز کردند. سردار میرحیدری ادامه داد: مأموران با هماهنگی قضایی در محورهای مواصلاتی مستقر شدند و خودروی مشکوک را در مسیر کاشان - قم شناسایی و متوقف و در بازرسی از قسمت بار خودرو، ۸۹بسته مواد مخدر از نوع ترپاک به وزن ۳۴۳کیلوو ۴۵۰گرم کشف کردند. فرمانده انتظامی قم اعلام کرد: راننده دستگیر شده و پرونده برای رسیدگی قضایی تحویل مراجع ذی‌صلاح شده‌است.



زوج سارق در گشت پلیس نامجو به دام افتادند

گشت‌های هدفمند مأموران کلاتری ۱۰۶نامجو، زوج سارقی را که با چهره پوشیده در کمین خودروهای پارک‌شده بودند، گرفتار کرد. به گزارش «جوان» سرهنگ محمد کتبیبار، سرکلانتر یازدهم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: مأموران هنگام گشت‌زنی در یک خودروی سواری با دو سرنشین زن و مرد مشکوک و برای بررسی موضوع به آن نزدیک شدند. در همان بررسی اولیه مشخص شد این زوج فاقد مدارک هویتی هستند و در حال زان‌زنی اطراف خودروهای چرخند. با بازرسی خودرو، مقادیر قابل توجهی اموال و ابزار سرقت به دست آمد، از جمله دو دستگاه ضبط خودرو، دو گوشی تلفن همراه، شش گرم ماده مخدر شیشه و ابزار آلات حرفه‌ای سرقت. متهمان پس از انتقال به کلاتر، با به سرقت و زان‌زنی در منطقه اعتراف کردند. سر کلانتر یازدهم افزود: با شناسایی مالباختگان، پرونده این زوج سارق برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی ارسال شده‌است.

جلال مهرگان

صیحی تلخ، دو سال پیش؛ پسر جوان هنگامی که به خانه برگشت، با سجنه‌ای روبه‌رو شد که زندگی‌اش را زیر و رو کرد. مادرش بی بی جان روی زمین افتاده و خانه به هم ریخته بود و آمار جراحات‌های عمیق بر دست‌اش حکایت از قزاق‌مست او در برابر قاتل داشت. پسر جوان شوکه شد و گریزان از باور حقیقت، راهی پدرش تماس گرفت و سپس پلیس را خبر کرد، اما خبیلی زود راز‌های پنهان این خانه یکی یکی آشکار شد. می‌آورد و ضربه‌ای مستقیم به قفسه سینه احسان وارد می‌کند. در ادامه، ضارب به سرعت سوار موتور می‌شود و فرار می‌کند. احسان، خون‌آلود و زخمی، تلاش می‌کند خود را به خانه‌ای برساند و کمک بگیرد، اما خون‌ریزی شدید پیش از رسیدن هر کمکی، جان او را می‌گیرد.

بن‌بست تحقیقات پلیسی

با وجود تلاش گسترده مأموران، هیچ ردی از قاتل فراری به دست نیامد. تحقیقات از خانواده و بستگان احسان نیز نتیجه‌ای نداشت؛ آنها اعلام کردند او با هیچ‌کس دشمنی نداشته‌است و به فرد خاصی مظنون نیستند. بررسی پیامک‌ها و مکالمات تلفنی متوثر نیز سرخی از عامل قتل در اختیار پلیس قرار نداد.

پرونده‌ای که ۳سال باز ماند

سه سال از این حادثه گذشت و با وجود تلاش مداوم پلیس آگاهی، هنوز قاتل شناسایی نشده‌است. سرانجام، اولیای دم با مراجعه به شعبه اول دادسرای

امور جنایی، با توجه به بن‌بست تحقیقات، در خواست دریافت دیه از بیت‌المال را مطرح کردند.

قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل، این درخواست را برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال کرد. با وجود این، تحقیقات درباره این جنایت همچنان ادامه دارد.

نقش آمریت در پرونده اجیر کردن آدمکش بررسی شد

جلال مهرگان

صیحی تلخ، دو سال پیش؛ پسر جوان هنگامی که به خانه برگشت، با سجنه‌ای روبه‌رو شد که زندگی‌اش را زیر و رو کرد. مادرش بی بی جان روی زمین افتاده و خانه به هم ریخته بود و آمار جراحات‌های عمیق بر دست‌اش حکایت از قزاق‌مست او در برابر قاتل داشت. پسر جوان شوکه شد و گریزان از باور حقیقت، راهی پدرش تماس گرفت و سپس پلیس را خبر کرد، اما خبیلی زود راز‌های پنهان این خانه یکی یکی آشکار شد. می‌آورد و ضربه‌ای مستقیم به قفسه سینه احسان وارد می‌کند. در ادامه، ضارب به سرعت سوار موتور می‌شود و فرار می‌کند. احسان، خون‌آلود و زخمی، تلاش می‌کند خود را به خانه‌ای برساند و کمک بگیرد، اما خون‌ریزی شدید میان زن و شوهر پیدا کرد؛ اختلافاتی که حتی به طلاق و بازگشت دوباره انجامیده بود. مهدی بازداشت شد و در نخستین اعترافاتش، پرده‌از حقیقتی ترسناک برداشت؛ او قبل‌و دفر در برای قتل همسرش اجیر کرده بود اما مدعی شد بعداً منصرف شده‌است. همین گفته کافی بود تا پلیس رد دو مرد را بگیرد؛ دو مردی که پس از بازداشت، جزئیات جنایت را بی‌حاشی تردیدی بازگو کردند؛ آنها هم لایلا را خفه کرده و هم طلاهایش را دزدیده بودند.

انگیزه: اموال زن

در ادامه تحقیقات، برادر لایلا بخش دیگری از پازل را روشن کرد. به گفته او، لایلا صاحب دو خانه و یک خودرو بود و مهدی مدت‌ها تلاش می‌کرد این دارایی‌ها را به نام خودش بگیرد، اما لایلا زیر بار نمی‌رفت. اختلافات بالا گرفت و حتی طلاق هم جواب نداد. برادر مقتول معتقد بود همین مقاومت‌ها بود که مهدی را به سمت تصمیمی

برگمار سوق داد.

دادگاه اول: قصاص برای عاملان قتل

با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده به دادگاه کیفری استان تهران رفت و فرزندان لایلا در جلسه دادگاه خواستار قصاص شدند. دو متهم ردیف اول که باهم در قتل نقش داشتند، اعتراف کردند مهدی هم به آنها آدرس طلاها را داده و

شور شدند.